

## بررسی نگرش زنان به مشارکت ورزشی و عوامل اجتماعی - روانی مؤثر بر آن

سیروس احمدی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج\*

سعید کارگر، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

### چکیده

توجه به سلامتی زنان به علت این که آنان نیمی از جمعیت هستند، سهم بزرگی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و رسالت مهم فرزندآوری را بر عهده دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. ورزش، یک سازو کار اساسی است که می‌تواند به این نیاز پاسخ دهد، اما به عنوان یک قاعده جهانی، مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی محدود است. در ایران نیز نرخ مشارکت ورزشی زنان رضایت‌بخش نیست. با این تفصیل، پژوهش حاضر به بررسی نگرش زنان به مشارکت ورزشی و عوامل اجتماعی - روانی مؤثر بر آن پرداخته است. روش به کار رفته در این پژوهش، پیمایش است. جامعه آماری، زنان ۱۵-۳۰ ساله شهر جهرم هستند که ۳۳۶ نفر به عنوان نمونه تعیین، و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه است که برای تعیین اعتبار آن از روش اعتبار سازه به کمک تکنیک تحلیل عاملی، و برای تعیین پایایی، از شیوه هم‌بستگی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج توصیفی پژوهش، بیانگر آن هستند که میانگین نمره نگرش زنان به مشارکت ورزشی در سطح پایینی است. نتایج تحلیلی پژوهش، نشان می‌دهند در بین سازه‌های تحقیق، تنها اعتماد اجتماعی بر نگرش زنان به مشارکت ورزشی تأثیر دارد و در بین متغیرهای جمعیتی، تنها رابطه سن، تأهل و تحصیلات، با نگرش زنان به مشارکت ورزشی معنادار است. تبیین متغیر وابسته بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که دو متغیر سن و اعتماد اجتماعی، به ترتیب قویترین پیش‌بینی‌کننده‌ها هستند و ۰/۰۹۰ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یافته‌های تحقیق با نتایج مشابه مقایسه گردیده، و در نهایت، پیشنهادهایی برای توسعه و گسترش مشارکت ورزشی زنان ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت ورزشی، عزت نفس، شخصیت‌ابزاری، اعتماد اجتماعی

## مقدمه

امروزه پدیده ورزش به عنوان ضرورتی انکارناپذیر و یک نیاز اساسی و زیر بنایی، به طور چشمگیری مورد توجه همگان قرار گرفته است (دارابی، ۱۳۸۸: ۷۸). پرداختن به ورزش با انگیزه‌های متفاوتی مانند کسب نشاط، پیشگیری از ابتلا به بیماری و حفظ سلامتی انجام می‌گیرد. فعالیت‌های ورزشی می‌تواند تغییرات جدیدی در سبک زندگی به وجود آورد. این پدیده را می‌توان بیداری جسم و در مواردی بیداری روح نامید (معاونت ورزش بانوان کشور، ۱۳۷۳: ۴۶). ورزش، نوعی فعالیت جسمانی است که زاینده تفکر انسانی بوده و همزمان با زیستن و تعامل با انسان‌های دیگر، معنا یافته است. آنجا که ورزش ساختار اجتماعی دارد، جامعه‌شناسان آن را در ارتباط با روابط اجتماعی و فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مطالعه کرده‌اند. بنابراین، نگاه اجتماعی به ورزش در یک جامعه با هر ابعادی یا فرهنگ و حتی خرده فرهنگی، به منظور درک همه جانبه آن ضروری است. مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به صورت حرفه‌ای، تا همین اواخر فعالیت‌ی مردانه بود و زنان سهم چندانی نداشتند (سازمان ملل، ۲۰۰۷)، اما عوامل گوناگون اجتماعی - فرهنگی، از جمله افزایش اوقات فراغت، بالا رفتن سطح زندگی، افزایش توجه به بهداشت عمومی و آمادگی جسمانی، تأثیر رسانه‌های گروهی در رواج ورزش و بالاخره اهتمام نظام‌های سیاسی به دستاوردها و پیشرفت‌های ورزشی، باعث شد از اواسط قرن بیستم، گرایش به فعالیت‌های ورزشی، افزایش یابد. این امر تا مدت‌ها مختص مردان بود، اما پس از جنگ جهانی دوم، در نتیجه دگرگون شدن مفهوم نقش جنسیتی سنتی زن، پیدایش نمونه‌های موفقیت‌آمیز زنان در عرصه‌های ورزشی، توجه به بدن و آمادگی جسمانی (کاکلی، ۱۹۹۷: ۱۲۷) و جنبش‌های آزادیخواهانه از جمله جنبش‌های فمینیستی (هابتون و برامهم، ۲۰۰۸) مشارکت

ورزشی زنان گسترش یافت، به گونه‌ای که نرخ مشارکت زنان از صفر درصد در اولین دوره مسابقات المپیک در سال ۱۸۹۶ در آتن، به بیش از ۴۲ درصد کل ورزشکاران در المپیک ۲۰۰۸ پکن، رسید. به علاوه، در طی قرن بیستم، امکان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی همگانی یا غیرحرفه‌ای نیز به سرعت گسترش یافته است (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۹). علی‌رغم اهمیت و ضرورت مشارکت ورزشی برای زنان (بریک، ۱۹۹۳؛ فنینگ، ۱۹۹۹؛ گراتون، ۲۰۰۰؛ مؤسسه اسپرت اسکاتلند، ۲۰۰۸) به عنوان یک قاعده جهانی، مشارکت توده زنان در فعالیت‌های ورزشی محدود است (خسروی، ۱۳۸۲؛ دوفرانس، ۱۳۸۵؛ پالم، ۲۰۰۰). برای مثال، نرخ مشارکت ورزشی زنان در انگلستان در طول یک ماه قبل از انجام تحقیق، ۵۶ درصد (۲۳) و در استرالیا در طول یک سال قبل از انجام تحقیق، ۵۹/۹ درصد بوده است (استراتون، ۲۰۰۵). طبق گزارش مرکز ملی آمارهای سلامت<sup>۱</sup> آمریکا (۲۰۰۸) بیش از ۵۵/۲ درصد از جمعیت ۱۱۶ میلیونی زنان این کشور براساس شاخص توده بدنی (BMI) دچار اضافه وزن هستند. به علاوه، ۳۷/۹ درصد از کل زنان آمریکایی در طول هفته هیچ فعالیت ورزشی ندارند و ۳۰/۳ درصد از آنان فقط در اوقات فراغت در طول هفته کمتر از ۱۰ دقیقه فعالیت ورزشی انجام می‌دهند. در ایران نیز نرخ مشارکت ورزشی زنان رضایت بخش نیست. مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) نرخ مشارکت ورزشی زنان را بسیار پایین ارزیابی کرده است. تندنویس (۱۳۸۰) نشان می‌دهد ۴۵/۸ درصد زنان مورد تحقیق اصولاً ورزش نمی‌کنند. نتایج یک پیمایش ملی نشان داد تنها ۴۱/۲ درصد از بانوان ایرانی کم و بیش به انجام فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹۱). احسانی (۲۰۰۲) سهم زنان در ورزش‌های همگانی را ۳۳ درصد ارزیابی می‌کند. و لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) عدم تمایل و مشارکت

<sup>1</sup> National Center for Health Statistics

عنوان مقایسه ویژگی‌های شخصیتی بین ورزشکاران سطح بالای برزیلی و غیر ورزشکاران، دریافتند که بین ورزشکاران رشته‌های انفرادی (شنا و جودو) و رشته‌ها تیمی (والیبال و بسکتبال) از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی بازداری، تحریک‌پذیری، پرخاشگری، خستگی‌پذیری، شکایت‌های جسمانی و نگرانی‌های سلامتی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جاروی (۲۰۰۳) در مورد رابطه بین سرمایه اجتماعی و ورزش نشان می‌دهد که مشارکت ورزشی به علت کمک به افزایش عزت نفس و برابری اجتماعی در تقویت جامعه مدنی مؤثر است. ویلی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳) با بررسی ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران رشته‌های مختلف، به این نتیجه رسیدند که ورزشکاران رشته فوتبال نسبت به رشته‌های بسکتبال، راگبی و ساکر از ثبات بیشتری برخوردارند، اما از لحاظ بعد برون‌گرایی، ورزشکاران رشته‌های بسکتبال، راگبی و ساکر نسبت به فوتبالیست‌ها برون‌گراترند. کارل (۲۰۰۲) در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان آمریکایی نشان داد سرمایه اجتماعی (که یکی از مؤلفه‌های اساسی آن اعتماد اجتماعی است) رابطه مثبت و معناداری با مشارکت ورزشی دانش‌آموزان در فوتبال، بیس‌بال، و مشارکت ورزشی به طور کلی دارد. کلارک و هاریسون (۱۹۸۴) به نقل از عبدلی (۱۳۸۴) نشان دادند شخصیت در انتخاب و شرکت در فعالیت‌های ورزشی نقش دارد و ورزش نیز در سازگاری‌های اجتماعی و شخصی دخیل است. نادریان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه (درونی، بیرونی و بی‌انگیزگی) نشان دادند موانع درون‌فردی (نداشتن علاقه، ناآگاهی و مشکلات فردی روانی) با انگیزه فرد رابطه دارند و از آن طریق می‌توانند بر میزان مشارکت فرد در ورزش اثر بگذارند. شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه

زنان در ورزش را مسأله‌ای فراگیر در کشور می‌دانند. پژوهش حاضر تلاش کرده است نگرش زنان به مشارکت ورزشی را با تمرکز بر عوامل اجتماعی و روانی، تبیین نماید. بر این اساس، هدف اساسی تحقیق حاضر این است که نگرش زنان به مشارکت ورزشی را بررسی کند و ارتباط آن را با برخی متغیرهای اجتماعی روانی مورد آزمون قرار دهد.

### مروری بر پژوهش‌های پیشین

مشارکت ورزشی زنان و موانع آن در قالب تحقیقات متعددی در خارج و داخل کشور بررسی شده است، اما بندرت تحقیقاتی وجود دارند که تأثیر عزت نفس، شخصیت و اعتماد اجتماعی را بر نگرش زنان به مشارکت ورزشی بررسی کرده باشند. با این حال، برخی از تحقیقات صورت گرفته در این حوزه را می‌توان به شرح زیر بیان نمود: سیپل (۲۰۰۶) در پژوهشی در نروژ به تأثیر مشارکت ورزشی بر اعتماد اجتماعی پرداخت و نشان داد مشارکت در سازمان‌های ورزشی باعث تقویت اعتماد اجتماعی در افراد می‌شود. دلانی و کینی (۲۰۰۵) در بررسی رابطه ورزش و سرمایه اجتماعی با استفاده از داده‌های پیمایش کشورهای اروپایی نشان می‌دهند رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی وجود دارد و طی آن کشورهایی که سطوح اعتماد اجتماعی در آنها بالاتر است، نرخ مشارکت ورزشی شهروندانشان در فعالیت‌های ورزشی نیز بیشتر است. براساس نتایج این پژوهش، کشورهای لهستان، جمهوری چک، اسلونی و پرتغال که کمترین میزان اعتماد اجتماعی داشتند، کمترین میزان مشارکت ورزشی را نیز دارا بودند و کشورهای شمال اروپا که دارای بالاترین سطوح اعتماد اجتماعی بودند، مشارکت ورزشی شهروندان آنها نیز در سطوح بالاتری بود. فیلهو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با

<sup>2</sup> Willie

<sup>1</sup> Filho

نشده است.

### مبانی نظری

در تبیین عدم گرایش زنان به ورزش، علل متعددی بیان شده‌اند (احسانی و همکاران، ۱۳۸۲). دینگل (۲۰۰۵) با جمع‌بندی موانع گرایش زنان به ورزش، آنها را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند: دسته اول، موانع عملی هستند، مانند: کمبود وقت، بچه‌داری، ضعف بنیه مالی، کمبود حمل و نقل عمومی، امنیت شخصی و عدم دسترسی به تسهیلات ورزشی؛ دسته دوم، موانع شخصی هستند، مانند: نوع تلقی زنان از بدن، پوشاک و تجهیزات ورزشی، فقدان اعتماد به نفس و نفوذ والدین و بزرگترها؛ و بالاخره دسته سوم، موانع اجتماعی و فرهنگی هستند شامل حاکمیت فرهنگ مردانه در ورزش، پیشداوری‌های جنسیتی، سوء استفاده‌های جنسی و عدم پوشش رسانه‌ای ورزش‌های زنان. اما می‌توان به عوامل دیگری نیز اشاره نمود: اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی، طی چند دهه اخیر به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته و برخی اندیشمندان کوشیده‌اند مشارکت را بر مبنای اعتماد اجتماعی تبیین کنند (لوهمان، ۱۹۷۹. کلمن، ۱۹۹۰). به اعتقاد اینگلههارت (۱۹۸۹: ۱۷۹) مشارکت، توأم با حس اعتماد است و به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود. بی‌اعتمادی، همکاری و مشارکت را از بین می‌برد و اگر بی‌اعتمادی ایجاد شود، مشارکت بین عاملان از بین خواهد رفت (بلادر و همکاران، ۲۰۰۲). در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت می‌گردد، نظم اجتماعی شکسته می‌شود، عملکرد افراد دچار نابسامانی می‌شود و حتی محتمل است آن جمع رو به نابودی برود (هزار جریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷). به تعبیر گیدنز (۱۹۹۱)، اعتماد اجتماعی در واقع عامل اساسی

اجتماعی و مشارکت ورزشی پرداخته و نشان داده‌اند اعتماد به دوستان، و اعتماد به همسایگان، به عنوان ابعاد سازه سرمایه اجتماعی، همبستگی معناداری با مشارکت ورزشی جوانان دارند و طی آن، با افزایش اعتماد به دوستان و همسایگان، مشارکت ورزشی جوانان بیشتر می‌شود. پارسامهر (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سنجش گرایش بانوان جوان به مشارکت در فعالیت‌های بدنی (شهریزد)» نشان داد که دو متغیر فعالیت بدنی والدین و فعالیت بدنی دوستان با متغیر تحت مطالعه مشارکت در فعالیت‌های بدنی رابطه معناداری دارند. احسانی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی» با استفاده از مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت نشان دادند عوامل ساختاری مهمترین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت زنان در ورزش است و عوامل بازدارنده فردی و بین فردی به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار دارد. وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی زنان استان مازندران)» عنوان کردند که چهار متغیر ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن دوستان، درآمد و سودمندی ورزشی در مرحله اول و حمایت اجتماعی در مرحله دوم توانسته‌اند به ترتیب ۱۵/۹ و ۲/۱ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی را نشان دهند. نتایج پژوهش عبدلی (۱۳۷۳) نشان داد که ورزشکاران سطوح قهرمانی و رقابتی بیشتر برون‌گرا و با ثبات‌اند که این موضوع می‌تواند بر اثر شرکت در فعالیت‌های شدید جسمانی تغییراتی در ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران حاصل شده باشد. همچنین، بین ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران رشته‌های بسکتبال، والیبال، فوتبال و کشتی آزاد تفاوت معناداری مشاهده

<sup>۱</sup> Social Trust

توجه به شعاع اعتماد، به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته، اشاره دارد و نوع دوم را برای جامعه، سودمندتر می‌داند. به زعم او، این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم، فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌شود. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازوکارهای اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته، معرفی می‌کند. پاتنام (۱۹۹۳: ۳۴)، بقا و پایداری تعاون و همکاری هدفمند را در گرو اعتماد اجتماعی می‌داند و اعتماد را متضمن و در بردارنده پیش‌بینی رفتار کنشگر مستقل دانسته است. به اعتقاد کلمن (۱۹۹۸) افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده بستان‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین، بده بستان‌ها و مبادله‌ها در ساختن کنش‌های اجتماعی، نقش اساسی دارند، اما چه اطمینانی وجود دارد که یک طرف یا طرفین مبادله، به دنبال سوء استفاده نباشند. اینجاست که نیاز به اعتماد، ضرورت می‌یابد. به زعم شولتز (۲۰۰۵) در جامعه‌ای که اعتماد وجود داشته باشد افراد کمتر دغدغه‌هایی نظیر به مخاطره افتادن نیازها و خواسته‌های خود دارند. با استناد به مبحث اعتماد اجتماعی، این فرضیه پژوهشی به ذهن متبادر می‌شود که بین میزان اعتماد اجتماعی و نگرش به مشارکت ورزشی رابطه وجود دارد.

اما برخی اندیشمندان، مشارکت ورزشی را بر مبنای عزت نفس<sup>۱</sup> تبیین می‌کنند (لافتروم و میلار، ۲۰۱۰). هر انسانی دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی است که باعث تمایز یا تشابه با دیگران می‌شود. این ویژگی‌ها، خود<sup>۲</sup> نام دارد و دارای سه بعد اساسی خودپنداره، عزت نفس و معرفی به دیگران است (بدر، ۱۳۸۱). خودپنداره،

احساس آرامش جسمانی و روانی و امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت اینکه ما اغلب در فعالیت‌های جاری خود، احساس ضعف و ناتوانی می‌کنیم، نبودن اعتماد اجتماعی است. به زعم گیدنز (۱۹۹۰: ۱۰۲) در صورت نبودن اعتماد، کنش افراد مبتنی بر رویکردهای بدگمانی یا خودداری، می‌شود. او اعتماد اجتماعی را حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه می‌داند که موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها می‌شود. اوفه (۲۰۰۶: ۲۰۵) معتقد است اعتماد در چهار حوزه خود را نشان می‌دهد: نخستین حوزه، اعتماد شهروندان به همشهری‌های خود است؛ حوزه دوم، اعتماد به نخبگان سیاسی یا اعتماد به نخبگان سایر بخش‌ها (رسانه‌ها، پلیس، دادگاه، پزشکان و غیره) است. سومین حوزه، اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌هاست و چهارمین حوزه، اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه است که طی آن نخبگان درباره گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف یا کل توده‌ها، به باورهای دست می‌یابند. به باور اوفه، اعتماد اجتماعی یکی از منابع فرهنگی اخلاقی است که به شیوه‌ای غیررسمی، هماهنگی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. او میان دو نوع اعتماد؛ یعنی اعتماد تجربی و اعتماد عام تمایز قایل می‌شود. اعتماد تجربی از طریق تعامل مستمر با افرادی حاصل می‌شود که مدت زیادی آنها را می‌شناسیم، اما اعتماد عام، اعتمادی است که نسبت به مقوله‌های بزرگ و نامعین و افراد ناآشنا ابراز می‌شود و پس از ابطال روشمند دلایل بی‌اعتمادی، بر جای می‌ماند. پاتنام (۲۰۰۲: ۱۳۴) اعتماد را از عناصر ضروری برای تقویت همکاری می‌داند که حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است. اعتماد در یک جامعه کوچک، از طریق آشنایی نزدیک با دیگران به دست می‌آید، اما در جامعه بزرگ و پیچیده، اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد، ضرورت می‌یابد. پاتنام با

<sup>۱</sup> Self-Esteem

<sup>۲</sup> Self

اجتماعی، با ارزش‌هایی همراه است که شرایط ساختی کنش را تشکیل می‌دهند. در نتیجه، فرد در انجام کنش اجتماعی باید دست به انتخاب ارزش‌ها بزند. پارسونز این ارزش‌ها را در قالب پنج دسته متغیر الگویی دو شقی، بیان می‌کند. اولین دسته، عاطفی در برابر بی‌طرفی عاطفی است. این متغیر الگویی، بیانگر این است که فرد، یک فرصت یا وضعیت را بر حسب کامروایی آنی و بدون توجه به عواقبش در نظر می‌گیرد یا بر حسب کامروایی آتی (پارسونز و شیلز، ۱۹۶۲: ۳۴۶). برخورد والدین با فرزند، بیانگر یک رابطه عاطفی و برخورد پزشک با بیمار، بیانگر یک رابطه مبتنی بر بی‌طرفی عاطفی است. دومین دسته، جهت‌گیری شخصی در برابر جهت‌گیری جمعی است. این متغیر الگویی، بیانگر احترام به منافع شخصی یا احترام به منافع جمعی است (پارسونز و شیلز، ۱۹۶۲: ۴۸). فردی که در یک کشتی در حال غرق، به فکر نجات خویش است، منفعت خصوصی را تعقیب می‌کند و اگر به فکر نجات دیگران باشد، منفعت گروه را مد نظر دارد. سومین دسته، خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی است. این متغیر الگویی، بیانگر این است که فرد در برخورد با یک وضعیت، در پرتو رابطه خاص خود با او، آن را با ملاک‌های خاص و منحصر به فرد، بنگرد یا ملاک‌های عام و کلی (پارسونز و شیلز، ۱۹۶۲: ۴۸). والدین در مواجهه با فرزند خویش، او را باهوش می‌دانند، اما مدیر مدرسه به ملاک‌های عام، مانند آزمون هوش توجه می‌کند. چهارمین دسته، انتساب در برابر اکتساب است. این متغیر الگویی، بیانگر نگاه به موضوع‌های اجتماعی بر حسب خصلت‌های ذاتی آنها یا عملکردها و دستاوردهایشان است (پارسونز و شیلز، ۱۹۶۲: ۳۴۷). اگر در نگاه به یک معلم، به تحصیلات و مهارت او توجه شود جهت‌گیری، اکتسابی و اگر به نژاد و مذهبش توجه شود، جهت‌گیری، انتسابی است. پنجمین دسته، آمیختگی در برابر تفکیک است. این متغیر الگویی، بیانگر گستره‌ای از تعهدات در

مجموعه باورهایی است که شخص در مورد خود دارد، اما عزت نفس، ارزیابی‌ای است که شخص از این ویژگی‌ها و باورها به عمل می‌آورد و بر همین اساس، خودپنداره و عزت نفس، زمینه‌ساز معرفی خود به دیگران می‌شوند. عزت نفس، بیانگر ارزش و احترامی است که فرد برای خویشتن قایل است. به عبارت دیگر قضاوتی است که فرد در مورد میزان توانمندی‌هایش دارد و به همین دلیل می‌تواند عامل تعیین‌کننده افکار، عواطف، بازخوردها و رفتارهای شخص باشد (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷). عزت نفس بالا بر بسیاری از جنبه‌های زندگی تأثیر دارد. عزت نفس بالا باعث بهبود و تقویت سلامت جسمانی (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷)، عملکرد تحصیلی بهتر (دیویس و برمبر، ۱۹۸۵)، عملکرد شغلی بهتر (کمپل و فیری، ۱۹۸۵)، روابط اجتماعی بیشتر (باتیستیش و همکاران، ۱۹۹۳)، تمایل بیشتر به رفتار گروهی (لی پاین و دین، ۱۹۹۸) می‌گردد. افراد دارای عزت نفس بالا، معمولاً در زندگی، خشنود و شادکام هستند و اطمینان دارند که کوشش‌های آنها نتیجه خواهد داد. این امر آنان را بیشتر به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی ترغیب می‌کند (ساینگتون، ۱۳۸۸: ۲۷۳؛ کومبز، ۱۹۶۹). با این تفصیل، این فرضیه پژوهشی قابل طرح است که بین عزت نفس و نگرش به مشارکت ورزشی رابطه وجود دارد.

برخی محققان در تبیین مشارکت ورزشی بر شخصیت<sup>۱</sup> تأکید می‌ورزند (کلی، ۱۹۹۶). شخصیت، مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌هاست که می‌تواند فرد را از دیگران متمایز سازد (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۴۴۰). تیپ‌های مختلف شخصیتی، نیازها، انتظارات، توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوتی دارند و به شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌کنند (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۷) و به نظر می‌رسد گونه‌هایی از آن، تمایل بیشتری به مشارکت ورزشی داشته باشند (آیزنک، ۱۹۸۲: ۵۶). به زعم پارسونز، هر کنش

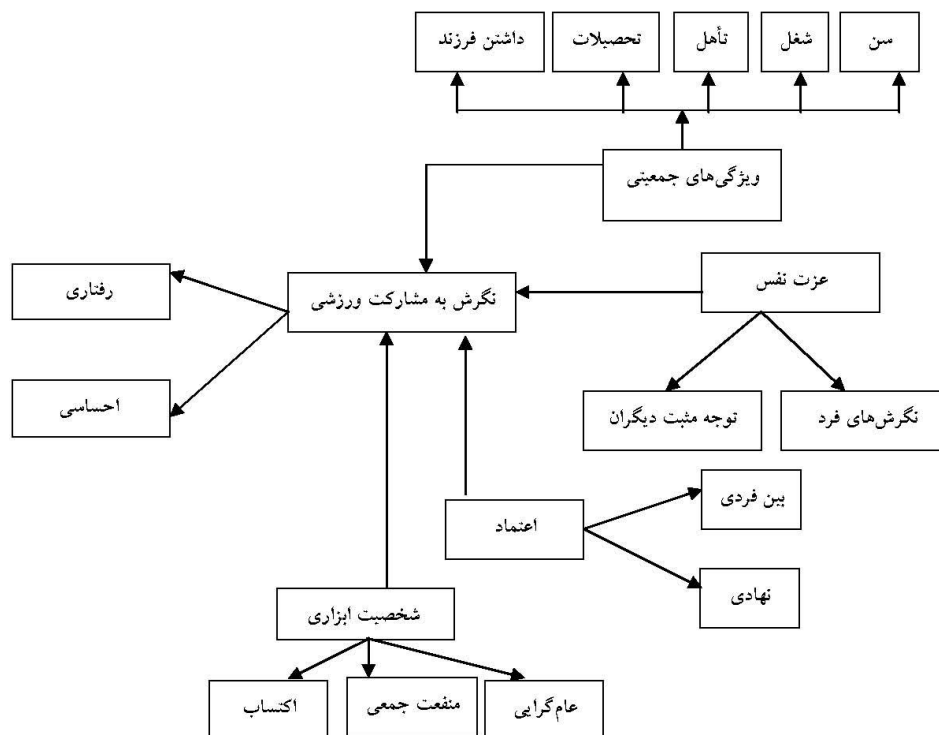
<sup>۱</sup> Personality

پارسونز (به نقل از پاراگال، ۲۰۰۲) شخصیت ابزاری را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مستعدتر می‌داند. به زعم پارسونز، تیپ شخصیتی غالب، در جوامع توسعه یافته، ابزاری و تیپ شخصیتی غالب در جوامع سنتی، ابزاری است. بر این اساس، ممالک سنتی برای رسیدن به توسعه که مستلزم مشارکت در همه سطوح جامعه از جمله ورزش است، باید تیپ شخصیتی ابزاری را ترویج دهند. با توجه به مباحث پارسونز این فرضیه قابل طرح است که بین تیپ شخصیتی ابزاری و نگرش به مشارکت ورزشی رابطه وجود دارد.

### مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده، مدل تحلیلی پژوهش به شرح ذیل است:

کنش متقابل است و نشان می‌دهد فرد در مواجهه با موضوع، به کل آن توجه دارد یا بخشی از آن (پارسونز و شیلز، ۱۹۶۲:۳۴۷). والدین در برخورد با فرزندشان، به کل وجودی او توجه دارند و دندانپزشک در مواجهه با مریض، فقط به دندان او توجه دارد. متغیرهای الگویی را می‌توان برای تحلیل نظام‌های مختلف از جمله نظام شخصیت استفاده کرد (ترنر، ۱۹۹۱). پارسونز نخستین بخش از هر جفت متغیر الگویی را معرف یک شخصیت ابزاری و دومین بخش را معرف یک شخصیت ابزاری می‌داند (مورگان، ۱۹۷۵). بر این اساس، افرادی که در انجام کنش، جهت‌گیری‌شان عاطفی، آمیختگی، خاص‌گرایی، انتساب و منفعت خصوصی است، دارای یک شخصیت ابزاری و افرادی که در انجام کنش، جهت‌گیری‌شان بی‌طرفی عاطفی، تفکیک، عام‌گرا، اکتسابی و منفعت جمعی است، دارای یک شخصیت ابزاری هستند.



### فرضیات تحقیق

- بین میزان عزت نفس زنان و نگرش آنها به مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان اعتماد اجتماعی زنان و نگرش آنها به مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شخصیت ابزاری زنان و نگرش آنها به مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ویژگی‌های فردی جمعیتی زنان (سن، وضع تأهل، تحصیلات، فرزند، وضع اشتغال) و نگرش آنها به مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی

روش به کار رفته در این پژوهش، پیمایشی است. جامعه آماری، کلیه زنان ۳۰-۱۵ ساله شهر جهرم است که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آنها ۲۳۲۶۲ نفر بوده است. برای تعیین اندازه نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، و تعیین مقادیر  $P = 0/3$  و  $q = 0/7$  براساس تحقیقات پیشین،  $d = 0/05$  و  $t = 1/96$  اندازه نمونه ۳۲۲ نفر به دست آمد، اما برای دستیابی به برآوردی دقیق‌تر، اندازه نمونه به ۳۵۰ نفر افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری، تصادفی چند مرحله‌ای است و برای

انجام آن، ابتدا نقشه شهر مدرج و محورهای X و Y بر روی آن مشخص گردید. سپس به طور تصادفی ۱۰ نقطه بر روی محور X و ۱۰ نقطه بر روی محور Y انتخاب شدند و محل تقاطع آنها به عنوان محل نمونه‌گیری انتخاب گردید. در مجموع، در ۱۰ نقطه شهر به ۳۵۰ نفر مراجعه شد که فقط ۳۳۶ نفر حاضر به پاسخگویی شدند و اطلاعات از آنان جمع‌آوری گردید. ابزار سنجش، پرسشنامه‌ای مشتمل بر چهار مقیاس نگرش به مشارکت ورزشی (نگرش احساسی پنج‌گویه، نگرش عملی هفت‌گویه)، اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی پنج‌گویه، اعتماد نهادی پنج‌گویه)، عزت نفس (توجه دیگران پنج‌گویه، نگرش خود پنج‌گویه)، شخصیت ابزاری (عام‌گرایی پنج‌گویه، منفعت جمعی پنج‌گویه، اکتساب‌گرا پنج‌گویه) است که براساس طیف ارزیابی پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق = ۵، موافق = ۴، بی‌نظر = ۳، مخالف = ۲ و کاملاً مخالف = ۱) درجه‌بندی شدند. برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی، از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن بر حسب هر مقیاس در جداول زیر خلاصه شده است.

جدول ۱- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس عزت نفس

عزت نفس	عامل‌ها		مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	ضریب آلفا
	توجه دیگران	نگرش خود			
	وزن عاملی	وزن عاملی			کل مقیاس
دیگران مرا فردی شایسته می‌دانند	۰/۷۸۶		۲/۶	۲۹/۳	۰/۶۷
مردم زندگی با من را خوشایند می‌دانند	۰/۷۵۲				
افراد خانواده ام خیلی به من امید بسته‌اند	۰/۵۶۳				۰/۶۱۳
آرزو می‌کنم شخص دیگری بدم	۰/۷۱۴		۱/۴	۱۵/۷	۰/۶۱
خودم را دست کم می‌گیرم	۰/۷۰۸				
همیشه نمی‌توانم حقیقت را بگویم	۰/۵۸۲				
آزمون KMO برای متناسب بودن اندازه نمونه	۰/۷۳۹				
آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها	Sig = ۰/۰۰۰		Df = ۳۶		Chi-square = ۴۴۱



جدول ۲- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس اعتماد اجتماعی

ضریب آلفا	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		اعتماد اجتماعی
			بین شخصی		
			وزن عاملی	وزن عاملی	
				۰/۷۴۰	اعتماد به پلیس
				۰/۷۱۵	اعتماد به پرستاران
۰/۷۴	۲۶/۳	۲/۶		۰/۷۰۸	اعتماد به پزشکان
				۰/۶۷۷	اعتماد به قضات
				۰/۵۰۷	اعتماد به معلمان
۰/۶۰۹			۰/۷۰۸		در بین دوستان به سختی پایبندی به قول و قرار وجود دارد
۰/۵۵	۱۴/۷	۱/۵		۰/۶۹۱	به سختی می‌توان به دیگران اعتماد کرد
				۰/۶۳۴	غریبه‌ها قابل اعتماد نیستند
				۰/۷۳۰	آزمون KMO برای متناسب بودن اندازه نمونه
				Sig = ۰/۰۰۰	آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها
	Chi-square = ۴۷۹		Df = ۴۵		

جدول ۳- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس نگرش به مشارکت ورزشی

ضریب آلفا	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		نگرش به مشارکت ورزشی
			احساسی		
			وزن عاملی	وزن عاملی	
				۰/۷۷۹	می‌خواهم به عضویت یک تیم ورزشی درآیم
				۰/۷۵۹	سعی می‌کنم با ورزش بدنم را آماده نگه دارم
۰/۸۳	۳۱/۵	۳/۸		۰/۷۵۵	می‌خواهم سکوه‌های افتخار ورزشی کسب کنم
				۰/۷۲۹	برای ورزش به باشگاه می‌روم
				۰/۶۸۰	به طور منظم ورزش می‌کنم
۰/۷۸۶				۰/۶۲۲	می‌خواهم از طریق ورزش امرار معاش کنم
۰			۰/۶۵۶		موفقیت ورزشی لذت بخش است
۰/۵۲	۱۲/۱	۱/۴		۰/۵۳۵	ورزش بیش از هر فعالیت دیگری جذاب است
				۰/۵۲۱	فعالیت‌های ورزشی بیشتر مردانه هستند
				۰/۵۰۵	فعالیت‌های ورزشی پر تنش هستند
				۰/۷۹۳	آزمون KMO برای متناسب بودن اندازه نمونه
	Chi-square = ۱۰۳۶		Df = ۶۶	Sig = ۰/۰۰۰	آزمون Bartlett جهت بودن تفکیک عامل‌ها

## جدول ۴- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس شخصیت ابزاری

شخصیت ابزاری	عامل ها		مقدار	واریانس	ضریب آلفا
	وزن	منفعت			
وزن عاملی	وزن عاملی	جمع	ویژه	تبیین شده	کل
اگر رئیس بانک بودم، کار بستگانم را خارج از نوبت انجام می‌دادم	۰/۶۹۵		۲/۳	۱۹/۵	۰/۵۷
اگر پرستار بودم، به بستگان بیمارم بیشتر رسیدگی می‌کردم	۰/۶۳۰				
اگر رئیس بودم، کارهای خلاف قانون دوستانم را نادیده می‌گرفتم	۰/۵۳۵				۰/۵۶۴
هرکس باید کلاه خود را نگه دارد تا باد نبرد	۰/۷۱۲				
مشکلات دیگران به خودشان مربوط است	۰/۶۸۱		۱/۶	۱۲/۹	۰/۵۴
منافع خودم را فدای دیگران نمی‌کنم	۰/۵۱۷				
کسی به تجربه و تخصص اهمیت نمی‌دهد	۰/۶۸۱				
ثروت بیش از تحصیلات باعث کسب اعتبار می‌شود	۰/۵۳۱		۱/۳	۱۰/۶	۰/۴۹
آزمون KMO برای متناسب بودن اندازه نمونه	۰/۶۵۶				
آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها	Sig = ۰/۰۰۰		Df = ۶۶		Chi-square = ۴۰۱

بودند، حذف گردیدند. نتایج تحلیل عاملی بیانگر آن است که میزان واریانس تبیین شده در سازه نگرش به مشارکت ورزشی (۴۳/۶ درصد)، عزت نفس (۴۵ درصد)، اعتماد اجتماعی (۴۱ درصد) و در شخصیت ابزاری (۴۳ درصد) است. پایایی هر یک از سازه‌ها نیز به روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است که مقدار آن در سازه نگرش به مشارکت ورزشی (۰/۷۸۶)، عزت نفس (۰/۶۱۳)، اعتماد اجتماعی (۰/۶۰۹) و شخصیت ابزاری (۰/۵۶۴) است.

## یافته‌های توصیفی

براساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۳۳۶ پاسخگو، میانگین سنی ۲۲/۶ سال و میانگین تحصیلات ۱۳ سال بوده است. ۱۴۲ نفر (۴۲/۳ درصد) متأهل، ۱۹۴ نفر (۵۷/۷ درصد) مجرد، ۲۷۱ نفر (درصد

بر اساس نتایج به دست آمده، آزمون KMO برای سازه نگرش به مشارکت ورزشی (۰/۷۹۳)، عزت نفس (۰/۷۳۹)، اعتماد اجتماعی (۰/۷۳۰) و شخصیت ابزاری (۰/۶۵۶) است که بیانگر کفایت اندازه نمونه است. به علاوه، شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارتلت، برای کلیه سازه‌ها ( $P < ۰/۰۰۰$ ) است که به لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی مورد نظر از نوع تأییدی است، و با توجه به ابعادی که برای هر سازه تعریف شده بود، تعداد عامل‌ها نیز به همان اندازه در نظر گرفته شد که عوامل و مؤلفه‌های مربوط به هر کدام، مشخص شده است. در مجموع، در مقیاس عزت نفس چهار گویه، در مقیاس اعتماد اجتماعی دو گویه، در مقیاس شخصیت ابزاری هفت گویه، و در مقیاس نگرش به مشارکت ورزشی دو گویه نسبت به آنچه در ابتدا طراحی شده

ورزشی در دو بعد احساسی و عملی، سنجش شده است، رابطه دو سازه به طور کلی و نیز ابعاد آنها به طور مجزا محاسبه شده است که نتایج آن به شرح جدول ۵ است. بر اساس نتایج جدول، رابطه بین عزت نفس (مجموع ابعاد) و نگرش به مشارکت ورزشی (مجموع ابعاد) معنادار نیست. بررسی روابط بین ابعاد دو سازه نیز نشان می‌دهد، رابطه نگرش به خود، با نگرش احساسی به مشارکت ورزشی، معنادار نیست، اما با نگرش عملی به مشارکت ورزشی معنادار است. به علاوه، رابطه توجه مثبت دیگران، با نگرش احساسی به مشارکت ورزشی معنادار نیست، اما با نگرش عملی به مشارکت ورزشی، معنادار است.

۸۰/۷) غیر شاغل، ۶۵ نفر (درصد ۱۹/۳) شاغل، ۹۵ نفر (۲۸/۳ درصد) دارای فرزند و ۲۴۱ نفر (۷۱/۷ درصد) بدون فرزند بوده‌اند، اما براساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین مشارکت ورزشی ۲۹/۲، عزت نفس ۱۶/۸، اعتماد اجتماعی ۱۸/۸ و شخصیت ابزاری ۲۵/۴ است.

### یافته‌های تحلیلی

- بررسی رابطه بین عزت نفس و نگرش به مشارکت ورزشی  
با توجه به این که عزت نفس در دو بعد نگرش نسبت خود و توجه مثبت دیگران، و نگرش به مشارکت

جدول ۵- بررسی رابطه بین عزت نفس و مشارکت ورزشی

Sig	t	Sig	F	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	
۰/۳۹۰	۰/۸۶۱	۰/۳۹۰	۰/۷۴۲	-/۰۰۱	۰/۰۴۷	عزت نفس (کل)
						نگرش به مشارکت ورزشی (کل)
۰/۲۰۳	۱/۲۷۵	۰/۲۰۳	۱/۶۲۶	۰/۰۰۲	۰/۰۷۰	نگرش خود
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۰۱۲	-۲/۵۳۵	۰/۰۱۲	۶/۴۲۵	۰/۰۱۶	۰/۱۳۷	نگرش خود
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی
۰/۱۶۷	۱/۳۸۴	۰/۱۶۷	۱/۹۱۷	۰/۰۰۳	۰/۰۷۶	توجه دیگران
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۰۰۰	۳/۷۷۰	۰/۰۰۰	۱۴/۲۱۰	۰/۰۳۸	۰/۲۰۲	توجه دیگران
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی

جدول، رابطه اعتماد اجتماعی (مجموع ابعاد) و نگرش به مشارکت ورزشی (مجموع ابعاد) معنادار است. بررسی روابط بین ابعاد دو سازه بیانگر این است که رابطه اعتماد بین شخصی با نگرش عملی و احساسی به مشارکت ورزشی معنادار نیست، اما رابطه اعتماد نهادی با نگرش احساسی، معنادار است و با نگرش عملی به مشارکت ورزشی معنادار نیست.

### بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و نگرش به مشارکت ورزشی

با توجه به این که اعتماد اجتماعی در دو بعد نهادی و بین شخصی و نگرش به مشارکت ورزشی در دو بعد احساسی و عملی سنجش شده است، رابطه دوسازه به طور کلی و نیز ابعاد آنها به طور مجزا محاسبه شده است که نتایج آن به شرح جدول ۶ است. براساس نتایج

جدول ۶- بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی

Sig	t	Sig	f	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۶	۲/۷۷۹	۰/۰۰۶	۷/۷۲۶	۰/۰۲۰	۰/۱۵۰	اعتماد اجتماعی (کل)
						نگرش به مشارکت ورزشی (کل)
۰/۳۵۸	۰/۹۲۱	۰/۳۵۸	۰/۸۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰	اعتماد بین شخصی
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۱۴۳	۱/۴۶۹	۰/۱۴۳	۲/۱۵۹	۰/۰۰۳	۰/۰۸۰	اعتماد بین شخصی
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی
۰/۰۰۱	۳/۲۲۶	۰/۰۰۱	۱۰/۴۰۵	۰/۰۲۷	۰/۱۷۴	اعتماد نهادی
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۲۳۵	۱/۱۹۰	۰/۲۳۵	۱/۴۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۵	اعتماد نهادی
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی

### بررسی رابطه بین شخصیت ابزاری و نگرش به مشارکت ورزشی

با توجه به این که شخصیت ابزاری در سه بعد عام‌گرایی، اکتساب، منفعت جمعی و نگرش به مشارکت ورزشی در دو بعد احساسی و عملی سنجش شده است، رابطه دوسازه به طور کلی و ابعاد آنها به طور مجزا محاسبه شده است که نتایج آن به شرح جدول ۷ است. براساس نتایج جدول، رابطه شخصیت ابزاری (مجموع ابعاد) و

مشارکت ورزشی (مجموع ابعاد) معنادار نیست. بررسی روابط بین ابعاد سازه‌ها نشان می‌دهد رابطه عام‌گرایی، با نگرش احساسی و عملی به مشارکت ورزشی معنادار نیست، اما رابطه اکتساب، با نگرش احساسی و عملی به مشارکت ورزشی معنادار است و در نهایت، رابطه منفعت جمعی با نگرش عملی به مشارکت ورزشی معنادار نیست، اما با نگرش احساسی به مشارکت ورزشی معنادار است.

جدول شماره ۷ بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت ابزاری و مشارکت ورزشی

Sig	t	Sig	F	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	
۰/۰۸۹	-۱/۷۰۶	۰/۰۸۹	۲/۹۰۹	۰/۰۰۶	۰/۹۳	شخصیت ابزاری (کل)
						نگرش به مشارکت ورزشی (کل)
۰/۷۷۴	۰/۲۸۷	۰/۷۷۴	۰/۰۸۳	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۶	عام‌گرایی
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۱۹۴	-۱/۳۰۰	۰/۱۹۴	۱/۶۹۰	۰/۰۰۲	۰/۰۷۱	عام‌گرایی
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی
۰/۰۴۳	-۲/۰۲۷	۰/۰۴۳	۴/۱۱۰	۰/۰۰۹	۰/۱۱۰	اکتساب
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۰۴۵	-۲/۰۱۴	۰/۰۴۵	۴/۰۵۸	۰/۰۰۹	۰/۱۱۰	اکتساب
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی
۰/۰۳۷	۲/۰۹۴	۰/۰۳۷	۴/۳۸۵	۰/۰۱۰	۰/۱۱۴	منفعت جمعی
						نگرش احساسی به مشارکت ورزشی
۰/۳۱۲	-۱/۰۱۲	۰/۳۱۲	۱/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	منفعت جمعی
						نگرش عملی به مشارکت ورزشی

**بررسی ارتباط متغیرهای جمعیتی و نگرش به مشارکت ورزشی**

نشان می‌دهد رابطه سن، تحصیلات و وضع تأهل با نگرش به مشارکت ورزشی معنادار است و طی آن با افزایش سن و تحصیلات، نگرش به مشارکت ورزشی افزایش یافته و نگرش به مشارکت ورزشی در بین زنان متأهل، بیشتر از زنان مجرد است.

بررسی ارتباط پنج متغیر سن، تأهل، تحصیلات، وضع اشتغال و داشتن فرزند، با نگرش به مشارکت ورزشی (مجموع ابعاد) که نتایج آن به شرح جداول ۸ و ۹ است،

**جدول ۸- بررسی رابطه بین سن و تحصیلات با نگرش به مشارکت ورزشی**

Sig	t	Sig	F	ضریب ضریب تعیین	همبستگی
۰/۰۰۰	۴/۷	۰/۰۰۰	۲۲/۲	۰/۰۶۰	۰/۲۵۰
					سن
					نگرش به مشارکت ورزشی (کل)
۰/۰۰۳	۳/۱	۰/۰۰۳	۹/۱	۰/۰۲۴	۰/۱۶۳
					تحصیلات
					نگرش به مشارکت ورزشی (کل)

**جدول ۹- بررسی مقایسه میانگین افراد متأهل - مجرد، شاغل - غیر شاغل و دارای فرزند - بدون فرزند، در نگرش به مشارکت ورزشی**

Sig	df	مقدار t	انحراف معیار	میانگین نگرش به مشارکت ورزشی	متغیر
۰/۰۲۶	۳۳۴	۲/۲	۵/۸	۳۰/۷	متأهل
			۶/۴	۲۸/۶	مجرد
۰/۰۷۳	۳۳۴	-۱/۸	۶/۱	۲۸/۹	غیر شاغل
			۶/۷	۳۰/۵	شاغل
۰/۲۱۷	۳۳۴	-۱/۲	۶/۳۰۶	۲۹/۰۲	بدون فرزند
			۵/۹۸۳	۲۹/۹۵	دارای فرزند

**تبیین مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل**

مستقل در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین مشارکت ورزشی هستند و کدام یک از آنها پیش‌بینی کننده قویتری است، از روش تحلیل رگرسیون چند گانه استفاده گردید که نتایج آن به شرح جداول زیر است.

به منظور بررسی رابطه مجموع متغیرهای مستقل با نگرش به مشارکت ورزشی و تعیین این که متغیرهای

جدول ۱۰- تبیین نگرش به مشارکت ورزشی (کل) بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

متغیرهای پیش‌بین	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	مقدار F	sig	B	Beta	t	sig
مقدار ثابت					۱۷/۶		۴/۵۶۳	۰/۰۰۰
شخصیت					-۰/۰۶۸	-۰/۰۵	-۰/۹۴	۰/۳۵۰
اعتماد					۰/۱۸	۰/۱۳	۲/۴	۰/۰۲۰
عزت نفس					۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۵۱	۰/۶۱۱
سن	۰/۳۰۰	۰/۰۹۰	۴/۳	۰/۰۰۰	۰/۳۱	۰/۲۳	۲/۹	۰/۰۰۳
تأهل					-۰/۲۰	-۰/۰۲	-۰/۲۳	۰/۸۱۶
فرزند					-۰/۵۶	-۰/۰۴	-۰/۶۰	۰/۵۵۲
تحصیلات					۰/۱۸	۰/۰۶	۱/۱	۰/۲۴۸
شغل					-۰/۳۹	-۰/۰۳	-۰/۴۲	۰/۶۷۸

تبیین نگرش به مشارکت ورزشی (به صورت کلی) بر حسب مجموع متغیرهای مستقل که در جدول (۱۰) ارائه شده است، نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۳۰۰ است. ضریب تعیین برابر ۰/۰۹۰ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل می‌توانند بیش از ۰/۰۹۰ درصد واریانس نگرش به مشارکت ورزشی را تبیین نمایند. براساس ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای

مستقل سن با بتای  $\beta = 0.23$ ، اعتماد اجتماعی با بتای  $\beta = 0.126$ ، تحصیلات با بتای  $\beta = 0.064$ ، شخصیت با بتای  $\beta = -0.051$ ، عزت نفس با بتای  $\beta = 0.028$ ، به ترتیب بیشترین سهم در میزان نگرش به مشارکت ورزشی (کلی) دارند. به علاوه، ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته به صورت خطی است ( $F = 4.029$ ،  $sig = 0.000$ ).

جدول ۱۱- تبیین نگرش احساسی به مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

متغیرهای پیش‌بین	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	مقدار F	sig	B	Beta	t	Sig
مقدار ثابت					۷/۱		۴/۹۸	۰/۰۰۰
شخصیت					۰/۰۱۶	۰/۰۳۴	۰/۶۱۲	۰/۵۴۱
اعتماد					۰/۰۸۴	۰/۱۶۳	۳	۰/۰۰۳
عزت نفس					۰/۰۷۸	۰/۰۹۹	۱/۸	۰/۰۷۳
سن	۰/۲۴۴	۰/۰۶	۲/۳	۰/۰۰۹	۰/۰۴۰	۰/۰۸۳	۱/۰۴	۰/۲۹۶
تأهل					۰/۳۲۴	۰/۰۷۲	۱	۰/۳۱۵
فرزند					-۰/۴۱۲	-۰/۰۸۳	-۱/۲	۰/۲۳۰
تحصیلات					۰/۰۳۱	-۰/۰۳۱	-۰/۵۱	۰/۶۰۹
شغل					۰/۳۴۸	۰/۰۶۱	۱	۰/۳۰۶

مستقل اعتماد اجتماعی با بتای  $\beta = .163$ ، عزت نفس با بتای  $\beta = .099$ ، سن با بتای  $\beta = .083$ ، فرزند با بتای  $\beta = -.083$ ، تأهل با بتای  $\beta = .072$ ، به ترتیب بیشترین سهم در میزان نگرش احساسی به مشارکت ورزشی دارند. به علاوه، ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته به صورت خطی است ( $F = 2/589$ ،  $sig = .009$ ).

تبیین نگرش احساسی به مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل که در جدول (۱۱) ارائه شده است، نشان می‌دهد ضریب همبستگی چند گانه برابر  $.244$  است. ضریب تعیین برابر  $.060$  است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل می‌توانند بیش از  $.06$  درصد واریانس نگرش احساسی به مشارکت ورزشی را تبیین نمایند. براساس ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای

جدول ۱۲- تبیین نگرش عملی به مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

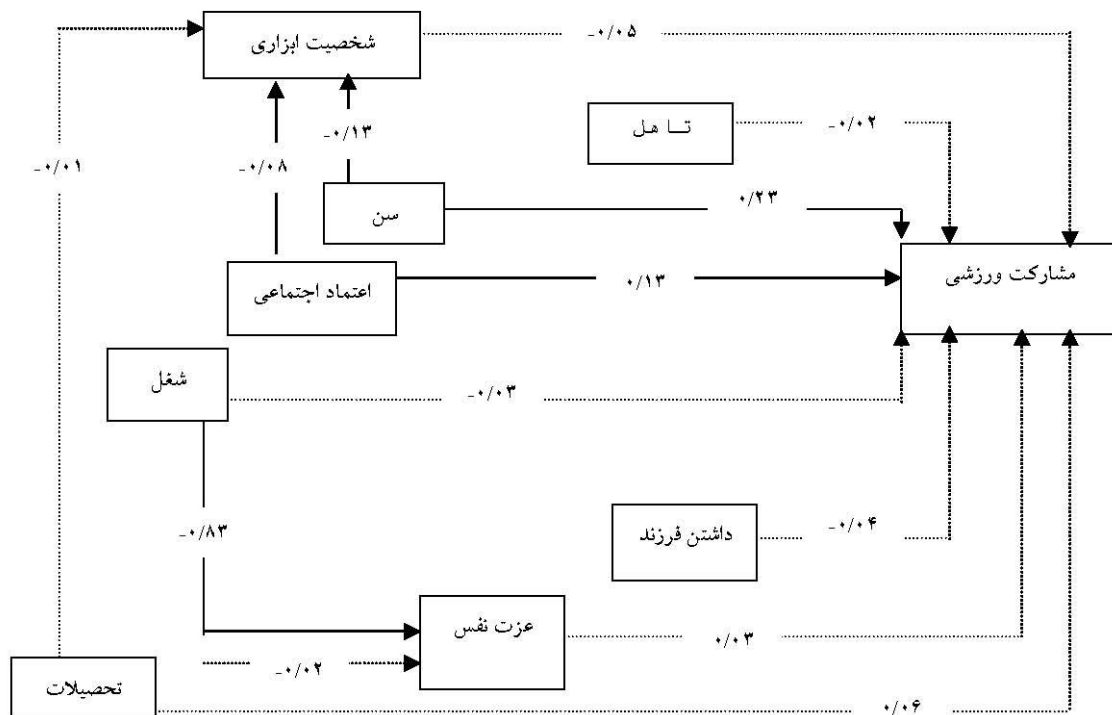
Sig	t	Beta	B	sig	مقدار F	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۲	۳/۱۲		۱۰/۶					مقدار ثابت
۰/۱۹	-۱/۳	-۰/۰۷	-۰/۰۸					شخصیت
۰/۱۶	۱/۴	۰/۰۸	۰/۰۹					اعتماد
۰/۸۷	-۰/۱۷	-۰/۰۱	-۰/۰۲					عزت نفس
۰/۰۰۴	۲/۹	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۰۰۰	۴/۳	۰/۰۹۵	۰/۳۰۸	سن
۰/۵۰	-۰/۶۹	-۰/۰۵	-۰/۵۳					تأهل
۰/۸۶	-۰/۱۸	-۰/۰۱	-۰/۱۵					فرزند
۰/۱۵	۱/۴	۰/۰۹	۰/۲۱					تحصیلات
۰/۳۷	-۰/۹	-۰/۰۵	-۰/۷۳					شغل

بیشترین سهم در میزان نگرش عملی به مشارکت ورزشی دارند. به علاوه، ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته به صورت خطی است ( $F = 4/294$ ،  $sig = .000$ ).

#### تحلیل مسیر

به منظور تعیین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر نگرش به مشارکت ورزشی (مجموع) از تحلیل مسیر استفاده شده است که نتایج آن به شرح نمودار زیر است.

تبیین نگرش عملی به مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل که در جدول (۱۲) ارائه شده است، نشان می‌دهد ضریب همبستگی چند گانه برابر  $.308$  است. ضریب تعیین برابر  $.095$  است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل می‌توانند بیش از  $.09$  درصد واریانس نگرش عملی به مشارکت ورزشی را تبیین نمایند. براساس ضرایب بتای استاندارد شده، متغیرهای مستقل سن با بتای  $\beta = .228$ ، تحصیلات با بتای  $\beta = .086$ ، اعتماد اجتماعی با بتای  $\beta = .076$ ، شخصیت با بتای  $\beta = -.072$ ، شغل با بتای  $\beta = -.053$ ، به ترتیب



دامنه ۵۰-۱۰ و میانگین واقعی ۳۰، برابر با ۲۹/۲ است. این امر بیانگر این است که مشارکت ورزشی زنان در سطح پایینی است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش شادی طلب (۱۳۸۲) که نشان می‌دهد تمایل زنان به ورزش کمتر از حد متوسط است، نتایج پژوهش حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) که نشان می‌دهند بیش از ۵۰ درصد از مردم مشهد هیچ برنامه مشخص و مدونی در زندگی روزمره برای پرداختن به ورزش و فعالیت ندارند، نتایج پژوهش مظفری و همکاران (۱۳۸۹) که نشان دادند ۳۵ درصد افراد مورد بررسی در زمان اجرای تحقیق هیچ نوع فعالیت ورزشی نداشتند، نتایج پژوهش ویلبر و همکاران (۱۹۹۸) که نشان دادند فعالیت‌های ورزشی در زنان به طور قابل ملاحظه‌ای ضعیف است، انطباق دارد و آنها را تأیید می‌کند. به علاوه، نگرش احساسی زنان به مشارکت ورزشی بر روی مقیاسی با دامنه ۲۰-۴ برابر با ۱۱ و نگرش عملی زنان به مشارکت ورزشی بر روی مقیاسی

بر اساس نتایج، شخصیت ابزاری، عزت نفس، داشتن فرزند و تاهل، تنه‌به صورت مستقیم بر مشارکت ورزشی تأثیر دارند و مقدار آن برای شخصیت ابزاری (-۰/۰۵)، برای عزت نفس (۰/۰۳)، برای داشتن فرزند (-۰/۰۴) و برای تاهل (-۰/۰۲) است، اما تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت ورزشی به صورت مستقیم (۰/۱۳) و به صورت غیرمستقیم (-۰/۱۳) است. تأثیر سن بر مشارکت ورزشی به صورت مستقیم (۰/۲۳) و به صورت غیرمستقیم (-۰/۱۸) است. تأثیر شغل بر مشارکت ورزشی به صورت مستقیم (-۰/۰۳) و به صورت غیرمستقیم (-۰/۰۸) است. تأثیر تحصیلات بر مشارکت ورزشی به صورت مستقیم (۰/۰۶) و به صورت غیرمستقیم (-۰/۰۵) است.

### نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تحقیق، میانگین نگرش زنان به مشارکت ورزشی به طور کلی، بر روی مقیاسی با



می‌دهند با افزایش اعتماد اجتماعی، نرخ مشارکت ورزشی بیشتر می‌شود، پژوهش کارل (۲۰۰۲) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی در بین دانش‌آموزان آمریکایی و بالاخره با نتایج پژوهش سیپل (۲۰۰۶) که نشان داد افراد فعال در حوزه ورزش، سرمایه اجتماعی بیشتر و در نتیجه از اعتماد بیشتری برخوردارند، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند.

شخصیت ابزاری بر نگرش زنان به مشارکت ورزشی تأثیر ندارد. به بیان دیگر، هر چه شخصیت، ابزاری‌تر می‌شود، نگرش به مشارکت ورزشی افزایش نمی‌یابد. این یافته پژوهش به لحاظ نظری، دیدگاه پارسونز (۱۹۶۴) را مبنی بر این که شخصیت ابزاری، با مشارکت اجتماعی بیشتر همراه است، تأیید نمی‌کند.

سن بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر می‌گذارد و طی آن با افزایش سن، مشارکت ورزشی بیشتر می‌شود. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان می‌دهند سن، رابطه معناداری با گرایش به فعالیت‌های ورزشی دارد، مظفری و همکاران (۱۳۸۹)، جکسون (۱۹۹۳)، صفانیا (۱۳۷۹) که معتقدند افزایش سن مانع ورزش کردن نیست، عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) که معتقدند سن رابطه معناداری با گرایش به فعالیت‌های ورزشی دارد، منطبق است و آن را تأیید می‌کند، اما با نتایج پژوهش لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) که معتقدند بین سن و علاقه‌مندی به ورزش رابطه‌ای وجود ندارد، منطبق نیست.

وضع تاهل بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر دارد. به عبارت دیگر، نگرش زنان متأهل به مشارکت ورزشی بیشتر از زنان مجرد است. این امر که احتمالاً ناشی از استقلال بیشتر زنان پس از ازدواج یا ضرورت بیشتر پرداختن به ورزش به دلیل آمادگی برای بارداری است،

با دامنه ۳۰-۶ برابر با ۱۸/۳ است که نشان می‌دهد نگرش احساسی و عملی زنان به مشارکت ورزشی نیز در سطح متوسط و کمتر است.

میزان عزت نفس بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر ندارد. به عبارت دیگر، هر چه عزت نفس زنان افزایش می‌یابد، نگرش به مشارکت ورزشی بیشتر نمی‌شود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش ویس و ابک (۱۹۹۶: ۳۶۴) که نشان دادند عزت نفس باعث موفقیت ورزشی می‌شود و نیز با نتایج پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۸۱) که نشان می‌دهند بین عزت نفس و موفقیت ورزشی فوتبالیست‌ها همبستگی مثبت وجود دارد و با یافته‌های تحقیقات انجام شده توسط جافی و ریکر (۱۹۹۳)، اسکالنن و پاسر (۱۹۷۹) به نقل از نوربخش، چیستین (۱۹۸۷)، ریچمن و شافر (۲۰۰۰) و فوکس (۲۰۰۰) همخوانی ندارند، اما با نتایج تحقیق بوشهری (۱۳۷۲) که با مطالعه روی دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز به عدم ارتباط بین آمادگی جسمانی و عزت نفس دست یافت و نتایج پژوهش نمازی‌زاده و نقوی (۱۳۸۱) که بین میانگین نمرات اعتماد به نفس گروه گواه و نمرات گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون، تفاوت معناداری در مشارکت ورزشی مشاهده نگردید، منطبق است.

اعتماد اجتماعی بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر دارد. به عبارت دیگر، هر چه اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش به مشارکت ورزشی بیشتر می‌شود. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش شارع‌پور و حسینی‌راد (۱۳۸۷) که نشان می‌دهند افزایش اعتماد اجتماعی، اثر فراینده‌ای بر مشارکت ورزشی دارد، پژوهش دهقان و غفاری (۱۳۸۴) و ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) که نشان می‌دهند اعتماد اجتماعی رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی دارد، پژوهش دلانی و کینی (۲۰۰۵) که نشان

ندارد، منطبق است و آن را تأیید می‌کند.

تبیین نگرش به مشارکت ورزشی در حالت کلی، بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که دو متغیر سن و توجه مثبت دیگران، به ترتیب، قویترین پیش‌بینی کننده‌های مشارکت ورزشی هستند و قادرند ۰/۹۵ از تغییرات واریانس مشارکت ورزشی زنان را تبیین نمایند.

### پیشنهادها

براساس نتایج تحقیق، نگرش زنان به مشارکت ورزشی در سطح متوسط رو به پایین است. با توجه به کارکردهای اساسی ورزش برای زنان، پیشنهاد می‌شود مشارکت ورزشی زنان، مورد توجه جدی مسئولان سازمان ورزش قرار گیرد.

با توجه به یافته‌های تحقیق و ارتباط معنادار اعتماد اجتماعی با مشارکت ورزشی زنان، پیشنهاد می‌شود این مقوله مهم اجتماعی هر چه بیشتر مورد توجه متولیان فرهنگ جامعه قرار گیرد.

با توجه به پژوهش حاضر می‌توان گفت، با اصلاح نگرش خانواده‌ها نسبت به انجام فعالیت ورزشی زنان، آشنایی کامل به ورزش و توجه بیشتر مسئولان به این امر، بر تمایل زنان به ورزش می‌افزاید.

یکی از راه‌های عملی تشویق زنان به ورزش، اعتقاد به تأثیر ورزش در رشد توانایی‌های آنان است که می‌تواند از طریق رسانه‌ها، از جمله: تلویزیون، رادیو، مجلات و روزنامه‌ها صورت پذیرد.

تبیین نگرش به مشارکت ورزشی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که متغیرهای به کار رفته در پژوهش، تنها قادر به تبیین ۰/۰۹۰ از تغییرات مشارکت ورزشی زنان هستند و بخش قابل توجهی از تغییرات مشارکت ورزشی، ناشی از سایر متغیرهاست که

با نتایج تحقیق شادی طلب (۱۳۸۲) و وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) که نشان می‌دهند وضع تأهل بر مشارکت ورزشی تأثیر دارد و زنان متأهل، تمایل بیشتری به ورزش دارند، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند، اما با نتایج تحقیق احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان می‌دهند زنان متأهل نسبت به مجردها امکان ورزشی کمتری دارند، انطباق ندارد.

میزان تحصیلات بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر دارد و براساس آن با افزایش میزان تحصیلات، نگرش به مشارکت ورزشی بیشتر می‌شود. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش دستغیب (۱۳۷۸)، احسانی و همکاران (۱۳۸۶)، پاراگال و همکاران (۲۰۰۲)، گراتون و تایس (۱۹۹۱) و تورکیل‌سن (۱۹۹۲) که نشان دادند با افزایش میزان تحصیلات تمایل به فعالیت‌های ورزشی بیشتر می‌شود، منطبق است، اما با نتایج پژوهش مظفری و همکاران (۱۳۸۱) که نشان می‌دادند بین میزان تحصیلات و نگرش به فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود ندارد، منطبق نیست.

وضع شغلی بر نگرش به مشارکت ورزشی تأثیر ندارد و طی آن زنان شاغل و غیرشاغل به لحاظ نگرش به مشارکت ورزشی، وضعیت مشابهی دارند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که معتقدند رابطه بین شغل و مشارکت ورزشی زنان معنادار نیست و پژوهش عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) که نشان دادند تفاوت معناداری بین وضع شغلی و نگرش به فعالیت‌های ورزشی وجود ندارد، منطبق است.

داشتن فرزند تأثیری بر نگرش به مشارکت ورزشی ندارد و زنان دارای فرزند و فاقد فرزند، به لحاظ نگرش به مشارکت ورزشی وضعیت مشابهی دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان دادند داشتن فرزند تأثیری بر مشارکت ورزشی زنان

کشتی گیران»، مجله حرکت، ش ۱۲، صص ۳۱ - ۴۴.

پارسامهر، مهربان؛ زارع شاه آبادی، اکبر. (۱۳۸۷). «بررسی نقش فواید ادراک شده بر مشارکت بانوان جوان در فعالیت‌های بدنی (مطالعه موردی: بانوان شهر یزد)»، فصلنامه المپیک، سال شانزدهم، ش ۱، صص ۷-۱۶.

پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۷). «سنجش گرایش بانوان جوان به مشارکت در فعالیت‌های بدنی (شهر یزد)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج ۲۸، ش ۱، صص ۲۰۵-۲۱۸.

تند نویس، فریدون. (۱۳۸۰). «بررسی جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی»، مجله حرکت، ش ۱۲، صص ۸۷-۱۰۴.

حسن‌زاده و همکاران. (۱۳۸۸). «توصیف میزان چگونگی پرداختن به ورزش و فعالیت‌های جسمانی - حرکتی اقدار مختلف اجتماعی شهر مشهد»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۴، صص ۴۹-۶۰.

خسروی، زهرا. (۱۳۸۲). *مبانی روان‌شناختی جنسیت*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

دوفرانس، ژاک. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ورزش*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا، صص ۳۷-۱۲۱.

دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). «تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، صص ۶۷-۹۸.

دازابی و همکاران. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل فرهنگی

در این پژوهش مورد نظر قرار نگرفته‌اند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در راستای تبیین دقیق‌تر مشارکت ورزشی زنان و عوامل مؤثر بر آن، اولاً تحقیقات در این حوزه تداوم یابد و ثانیاً، از چارچوب‌های نظری دیگری استفاده گردد.

## منابع

اتکینسون، ریتا، ال و همکاران. (۱۳۸۵). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه: محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد، صص ۴۴۰-۴۴۱.

انورالخولی، امین. (۱۳۸۱). *ورزش و جامعه*، ترجمه: حمید رضا شیخی، تهران: انتشارات سمت، ص ۹.

احسانی، محمد، کوزه‌چیان، هاشم، کشگر، سارا. (۱۳۸۶). «بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی»، *مجله پژوهش در علوم ورزشی*، ش ۱۷، صص ۸۷-۶۳.

ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۷، صص ۳-۳۱.

احسانی، محمد؛ عرب دفتران، مریم. (۱۳۸۲). «بررسی عامل‌های بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو»، *فصلنامه المپیک*، سال ۱۱، پاییز و زمستان، ش ۳ و ۴، صص ۲۹-۳۸.

بدار، لوک. ذیل، ژوزه. لامارش، لوک. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: انتشارات ساوالان.

بشارت، محمدعلی؛ عباسی، غلامرضا؛ شجاع‌الدین، صدرالدین. (۱۳۸۱). «بررسی رابطه بین عزت نفس و موفقیت ورزشی در فوتبالیست‌ها و

دانشجویان به ورزش: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و چهارم، شماره دوم، صص ۹۵-۱۰۵.

محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. (۱۳۸۰). *زنان و مشارکت سیاسی و اجتماعی*، تهران: انتشارات برگ زیتون، صص ۱-۱۷.

مظفری، امیراحمد؛ قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). «وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان»، نشریه علوم حرکتی و ورزشی، ج اول ش ۶، زمستان، صص ۱۵۱-۱۷۱.

مظفری، امیر احمد، صفانیا، علی محمد. (۱۳۸۱). توصیف نگرش و گرایش مردم نسبت به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی در جمهوری اسلامی ایران، طرح تحقیقاتی ملی.

معاونت ورزش بانوان کشور. (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات زن و ورزش*، ۴۶.

نادریان، مسعود؛ ذوالاکتاف، وحید؛ مشکل‌گشا، الهام. (۱۳۸۸). «موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، ج اول، ش ۱۳، صص ۱۴۵-۱۵۴.

نادریان جهرمی، مسعود؛ هاشمی، هاجر. (۱۳۸۸). «عوامل بازدارنده مشارکت زنان کارمند شهر اصفهان»، نشریه پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۳، صص ۱۳۷-۱۵۰.

نریمانی، محمد؛ خان‌بابازاده، مژگان؛ فرزانه، سعید. (۱۳۸۶). «بررسی ویژگی‌های شخصیتی و رضایت شغلی کارکنان دانشگاه‌های اردبیل»، مجله دانشگاه

مؤثر بر گرایش به فعالیت‌های ورزشی در زنان ۴۰ تا ۲۵ سال شهر تهران»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۴، صص ۷۷-۸۸.

دستغیب، فاطمه. (۱۳۷۸). *موانع اجتماعی- فرهنگی توسعه ورزش بانوان*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز.

سایپنگتون، اندرو. (۱۳۸۸). *بهداشت روانی*، ترجمه: حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، تهران: نشر روان، صص ۱۷۸.

شارع‌پور، محمود، حسینی‌راد، علی. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی، مطالعه موردی شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل»، مجله حرکت، ش ۳۷، صص ۱۳۱-۱۵۳.

شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۲). «مشارکت اجتماعی زنان»، مجله پژوهش زنان، دوره اول، ش ۷، صص ۱۴۱-۱۷۶.

شتاب بوشهری، ناهید. (۱۳۷۲). *بررسی چگونگی همبستگی بین سطوح عزت نفس (حرمت به خود) با سطح آمادگی جسمانی - حرکتی دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

عبدلی، بهروز. (۱۳۷۳). *بررسی ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران نخبه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

عطارزاده حسینی، رضا؛ سهرابی، مهدی. (۱۳۸۶). «توصیف نگرش و گرایش مردم شهر مشهد به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی»، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، ش ۱، صص ۳۷-۴۸.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر، تابعیان، حسن. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر علاقه

- Psychiatric Disorders" *phy- Ther* , 67(4) , (Apr). pp:454-8.
- Coakley, J. (2007) *sport in society: Issues and controversies*, Boston, Mass, Mc Graw Hill.
- Coleman, J. S. (1990) *Foundations of social theory*, Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1998) "Cognitive Reality and the Phonological Lexicon: A Review". *Journal of Neurolinguistics* 11, 295-320. doi:10.1016/S0911-6044(97)00014-6
- Coombs, R. H. (1969) "Social Participation, Self Concept and Interpersonal Variation", *Sociometry*, Volum 32, PP273- 286.
- Coopersmith, S. (1967) *The Antecedents of Self-Esteem*, Sanfrancisco, CA :Freeman.
- Davies, J. Brember, I. (1999) "Reading and Mathematics Attainments and Self-esteem in years 2 and 6- an Eight-Year Cross-sectional Study". *Educational Studies*, 25, 145-57.
- Delaney, L. & Keaney, E. (2005) *Sport and Social Capital in the United Kingdom: Statistical Evidence from National and International Survey Data*. Dublin institute for publicity reaserch (ippr), London- commissioned by the Department of cultural Media and Sport.
- Dingle, L. (2005) *Women in sport, overcoming barriers to participation*, 3<sup>rd</sup> Annual coaching conference, University of Exeter.
- Eysenck, H.J. Nias, D.K. Cox, D.N. (1982) "Sport and Personality", *Advances in Behavioral Research and Therapy*, Vol. 4, No. 1, PP 1-56.
- Ehsani, M. (2002) "Level of Participation for Women in Iran and Leisure Constraints . L. S. A." Conference. Leisure: Our Coommon Wealth ? July, preston, Manchester, England.
- Fating, kari. (1999). "Women and Sport". *Olympic Review*. N. 26, p.43-45.
- Fillho, M.G.D. (2005) "Comparison of Personality Characteristics between High Level Brazilian Athletes and Non Athletes." *J. Rev. Esport*. vol. II, no2.
- Fox, K. Rickards, L. (2004) *Sport and leisure*, London, Crow.
- Giddens, A. (1991) *M16 odernity and self-identity, Self and society in the late modern age*. Cambridge: Polity press.
- Giddens, A. (1990) *The consequences of modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Gratton, C, & Tice, A. (1991) *The Demands for Sport: A two Stage Econometric Model*
- علوم پزشکی اردبیل، دوره هفتم، شماره اول، صص ۷۷-۸۳
- نمازی زاده، مهدی؛ نقوی، فروغ. (۱۳۸۱). «بررسی اثر مشارکت ورزشی بر اعتماد به نفس»، *مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه آزاد خوراسگان*، شماره یازدهم و دوازدهم، بهار و تابستان، صص ۹۹-۱۰۶.
- نوربخش، مهوش و همکاران. (۱۳۸۴). «بررسی و مقایسه عزت نفس دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار شهید چمران اهواز»، *مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال*، شماره اول، صص ۱۵-۳۰.
- وحید ا، فریدون، عریضی، فروغ، پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی، مطالعه موردی زنان استان مازندران»، *فصلنامه المپیک*، سال چهاردهم، ش ۱، صص ۷۷-۸۶.
- هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان»، *مجله جامعه شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش ۴، صص ۱۷-۳۸
- Battistich, V., Solomon, D., Delucchi, K. (1993) "Interaction Processes and Student Outcomes in Cooperative Learning Groups". *The Elementary School Journal*, 94, 19-32.
- Bladder , Steven L & Tom .R. Tyler (2002) what constitutes Fairness in work setting ? A Four components model of procedural Jussive, Human Resource Management.
- Blair, S, N. Kohl, H, W. Barlow, C, E (1995) "Changes in Physical Fitness and all Cause Mortality:Prospective Study of Health and Unhealthy Men", *Journal of the American Medical Association*, 273,PP 1093-1098.
- Bric G. During, Joseph A. Maguire, Rovert E. pearton. (1993) "The Sports Process a Comparative and Development Approach". *Human kinetics, Champagn*. Page71-80.
- Chastain, P.B. Shapiro, G.E. (1987) "Physical Fitness Program for Patrients with

- Theory of Action*, Harvard University Press-74.
- Parsons, T. (1964) *Social Structure and Personality*, New York: The Free Press .
- Putnam, R. D. (2002) "*Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in (Edited)*", Oxford University Press. contemporary society.
- Putnam, R. (1993) "*The Prosperous Community. Social Capital and Public Life*", The American Prospect , Spring, pp.35-4.
- Richman, E.L. & Shaffer, D.R. (2000) "If You Let Me Play Sport"-How Might Sport Participation Influence the Self-Esteem of Adolescent Females? *Psychology of woman Quarterly*, vol 24 , ISS2,pp:189-199.
- Schultz, D. Schultz, S.A. (2005) "*Theories of Personality*", New York, Brooks/Cole.
- Seippel, O. (2006) "*Sport and Social Capital*". *Acta Sociological*, Vol. 49. No.2. pp: 169-183.
- Sportscotland (2008) 25 benefits for girls and women taking part in sport and physical activity. Edinburgh, Sportscotland. Available: [http://www.angelinacoalition.org/parents/25Benefits\\_of\\_sports.pdf](http://www.angelinacoalition.org/parents/25Benefits_of_sports.pdf).
- Stratton, M. Conn, L. Conolly, L. (2005) Sport and related recreational activity, The social correlates of participation and non – participation by adults, Sport Management Association of Australia and New Zealand (SMAANZ), Eleventh Annual Conference, Canberra.
- Turner, J.H. (1991) *The structure of sociological Theory*, Belmont, Ca, Wadsworth.
- Wilbur, J. Miller, A.M. Montgomery, A. (1998) "Chandler p. Womens Physical Activity Patterns: Nursing Implications". *JOGnNN*, 27(4):383-92.
- United Nations (2007) *Women, Equality and Sport*, Department of Economic and Social Affairs.
- Wiess, M. R. Ebbeck, W. (1996) Self Esteem Perceptio of Competence in Youth Sports, Theory, Research, Enhancement Strategies, In Barror, O(Ed) *The Child Adolescent athlete*, Encyclopedia of Sport Medicine, PP 364-382
- Using the 1977 General Household Survey.
- Gratton. Chirs and peteraylor (2000) "Economic of Sport and Recreation" London and newyork: E & FN spon, p33-35.
- Inglehart, R. (1989) "Culture Shift in Advanced Industrial Society", New Jersey, Princeton University Press.
- Jaffee, Lynn & Ricker (1993) "Sherri Physical Activity and Self-Esteem in Girls", *Melpomene Journal*, V. 12.(3), aut .pp:19-20.
- Jarvie, G. (2003) "Communitarianism. Sport and Social Capital." *International Review for the Sociology of Sport*. 38.2: pp: 139-153 .
- Kelly, C. Sara, B. (1996) *The Social Psychology of Collective Action*, London and francis.
- Lafstrom, K. Millar, S. (2010) Supporting sport participation for girls and women, from active start to active for life, Canadian Association for the Advancement of Women and Sport and Physical activity.
- LePine, J.A. Van Dyne, L. (1998) "Predicting Voice Behavior in Work Groups". *Journal of Applied Psychology*, 83, 853–868.
- Luhman, N. (1979 ) "Trust and Power", New York: John Wiley.
- Morgan, D. H. (1975) *Social Theory and the Family*, London, Routledge and Kegan Paul.
- National Center for Health Statistics. (2008) "*Summary health statistics for U.S. adults: National Health Interview Survey*". U.S. Department of Health and Human Services, Centers for Disease Control and Prevention.
- offe, N. (2006) "*How Can Citizens be Trusted? In Social Capital, Trust, Democracy and Development*" (Eds) K, Tajbakhsh & A, Khakbaz, Tehran, Shirazeh Publishing. [Persian].
- Palm, J. (2000) Sport for All and its Projection to the year 2000, [http://www.Tafisa.net /content /index.php?option =content task =view id =](http://www.Tafisa.net/content/index.php?option=content&task=view&id=).
- Paragal, S. Gilligan, D. O. Hug, M. (2002) Does Social Capital Increase Participation in Vouluntary Solid Waste Management? Evidence from Dhaka, Bangladesh, Published in Grootaert, C and Bastelaer.
- Parsons, T. Shils, E. A. (1962) *Toward a General*